

متن سخنرانی

جناب آقای دکتر محسن نوربخش

مقام محترم ریاست کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

در ابتدا لازم است که من نیز ولادت حضرت امام حسن عسگری (ع) را به حضار محترم تبریک گفته و از طرف بانک مرکزی و همکاران سیستم بانکی تشکر کنم از حضور خواهران و برادران در ششمین سمینار بانکداری اسلامی. با توجه به مجموعه مقالاتی که توسط بعضی از اساتید محترم و فقهای محترم و دست‌اندرکاران سیستم بانکی ارائه خواهد شد، من ترجیح می‌دهم وقت کمتری را بگیرم تا فرصت استفاده از مجموعه مقالات این سمینار بیش از پیش امکان‌پذیر گردد. به عنوان شروع و مقدمه، به نظر می‌رسد این سمینار فرصت مغتنمی است که از سه دید و از سه نقطه نظر به ارزیابی کار خودمان در سیستم بانکی بپردازیم. یکی از نقطه نظر اجرایی، بررسی کنیم و به‌بینیم بانکداری اسلامی در عمل تا چه حد در پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه موفق بوده است و تا چه حد به عنوان یک ابزار، نظام جمهوری اسلامی را یاری داده است. نکته دوم از نقطه نظر فرهنگی مطرح می‌شود. به‌بینیم از نظر فرهنگی تا چه حد ما موفق شده‌ایم. واقعاً آنچه را که به محتوای بانکداری اسلامی مربوط می‌شود در عملیات و در روابط بین مردم و بانک و کلیه دست‌اندرکارانی که در سیستم بانکی هستند به مرحله اجرا درآورده‌ایم و بالاخره نکته سوم است که با توجه به حضور اساتید محترم و فقهای عظام، این سمینار فرصتی باشد برای ارزیابی بانکداری اسلامی از نقطه نظر تئوری که تا چه حد با سوالات جدید در اقتصاد خودمان و اصولاً در فعالیتهای اقتصادی روبرو هستیم و آیا بانکداری اسلامی از نظر تئوریک و از بعد نظری برای این سوالات پاسخی دارد و آیا ابزارهای جدیدی

را می‌تواند ارائه دهد که همانند سایر روشهای بانکداری که در طول سالهای مختلف با تحولاتی روبرو بوده است، در بانکداری اسلامی هم این تحول را به‌بینیم و نه اینکه به طور ثابت و یکسان از بعضی روشهای ثابت پیروی کنیم و برخوردار باشیم؟ من امیدوارم که این سمینار بیشتر به ارزیابی و بررسی این سه موضوع و سه مطلب بپردازد. من فکر می‌کنم که مادر بعضی زمینه‌ها موفقیت نسبتاً خوبی داشته‌ایم و در بعضی زمینه‌ها در نیمه راه هستیم و در بعضی‌ها نیاز به کار و کوشش بیشتری است. در رابطه با بخش اجرایی، با توجه به مطالبی که جناب آقای محمدخان وزیرمحرّم امور اقتصادی و دارایی اشاره کردند به هر حال برنامه اول و دوازده سال اجرای بانکداری اسلامی نشان می‌دهد که سیستم بانکداری با قانونمندی موجود توانسته است آن نقشی را که برای بانک طراحی شده است به عنوان واسطه و جوجه به خوبی اجرا کند، بدین معنی که هم در قسمت تجهیز سپرده‌ها به خوبی توانسته است فعالیت کند و اعتماد عمومی را جلب نماید به گونه‌ای که بپذیرند که در این قانونمندی، می‌توانند سپرده خودشان را در بانک بگذارند و بانک هم به عنوان یک وکیل از طرف آنها، آن را به کار گیرد. رشد سپرده‌ها، در واقع نشان دهنده وضعیت در این زمینه است. من این را در ملاقاتی که با مقام محترم ریاست جمهوری داشتیم عرض کردم. طبق آخرین آمار که مربوط به دو ماه پیش است سپرده‌های ما به رقمی حدود ۵۶،۰۰۰ میلیارد ریال رسیده است. در سال جاری پیش‌بینی ما این است که رشد سپرده‌ها بیش از سال گذشته باشد بنابراین همانطور که عرض کردم در جهت جذب سپرده‌ها ما موفق بوده‌ایم. در رابطه با به‌کارگیری این سپرده‌ها نیز با توجه به حجم عملیاتی که سیستم بانکی داشته است به نظر می‌رسد مشکلی نداشته‌ایم. مشکل بیشتر از این لحاظ است که ما با توجه به سیاستهای پولی مجبور هستیم بیش از حدی که سیاستهای پولی به ما اجازه می‌دهد نگذاریم مجموعه منابعی که در سیستم بانکی جمع‌آوری شده است در بخشهای مختلف به کار گرفته شود ولی قدر مسلم این است که ما الان کمتر کار اجرایی را می‌شناسیم که بخواهد از منابع سیستم بانکی استفاده کند و نتوانیم آن فرمول‌بندی و روش کاری را که برای تنظیم قرارداد بین استفاده‌کننده از تسهیلات و بانک مناسب است برقرار کنیم و ملاحظه می‌کنیم که در بخشهای مختلف اعم از بخش کشاورزی، بخش صنعت، بخش مسکن و انواع بخشهای خدمات نظیر حمل و نقل و غیره را به راحتی توانسته‌ایم این رابطه را برقرار کنیم و به هیچ روی مشکلی از این جهت وجود ندارد. مجموعه منابعی که بکار گرفته شده است به رقمی حدود ۳۴ هزار میلیارد ریال بالغ می‌شود، رقمی که به من گزارش شده است، نشان دهنده توانمندی قوانین بانکداری اسلامی در پاسخگویی به نیازهای مختلف جامعه است. به هرحال ارزیابی شخصی من این است که از نظر اجرایی، قانونمندی و مقررات حاکم بر بانکداری بدون ربا، به خوبی به مسئولین اجرایی این توان و این قدرت را می‌دهد که هم در بخش مربوط به جذب سپرده‌ها و هم در بخش مربوط به کارگیری آن بتوانند از این ابزار استفاده کنند و

نیازهای جامعه را پاسخ دهند. در اینجا لازم است این نکته را یادآوری کنم که منظور ما از مجموعه عملیات بانکی فقط در محدوده قانون عملیات بانکی بدون ربا خلاصه نمی‌شود، به عنوان مثال، در رابطه با همین بحث سیستم جدید ارزی و مسؤولیتی که از این جهت برعهده بانکها گذاشته شده است یعنی مسأله هدایت ارزهای صادراتی و گرفتن تعهد از صادرکننده و در واقع اطمینان از بازگشت ارز، این روشی است که در حال حاضر در کل شبکه بانکی جاری کرده‌ایم و لازم است این نکته را یادآوری کنم که در سالهای ۶۸ و ۶۹، هنگامی که بحث اخذ پیمان ارزی هنوز وجود داشت و لغو نشده بود، فقط بانک مرکزی و یکی از بانکهای تجاری به نمایندگی از طرف بانک مرکزی در استانها این وظیفه را انجام می‌داد، در حالیکه در سال جاری با قانونمندی جدید اینکار را تسری دادیم به کل شبکه بانکی و کل شبکه بانکی هم در اخذ تعهد ارزی و هم در دریافت آن به خوبی انجام وظیفه کرده است و این نشان دهنده آمادگی سیستم اجرایی بانکی در انجام این مهم است. من صرفاً از جهت رساندن این اطلاع به برادران و خواهران عرض می‌کنم که خوشبختانه سیستم جدید ارزی از نظر گردش ارز و ورود ارز به سیستم بانکی، آثار اولیه‌اش را ظاهر کرده است. در این رابطه من گزارشی داشتم که گزارش بسیار مطلوبی بود و نشان دهنده این واقعیت که برخلاف پیش‌بینی‌هایی که می‌شد که صادرات دچار توقف یا رکود شود اینگونه نبوده است. به هر حال، ما این سیستم ارزی را در سال آینده همانطور که عرض کردم خواهیم داشت و بحث ثبات نرخ ارز بحثی است که مورد نظر ما قرار دارد و من شخصاً فکر می‌کنم که سال آینده ما شاهد تغییر قیمت آنچنانی نباشیم و بتوانیم از این قیمت به خوبی حمایت کنیم و یک ثباتی را در سیستم اقتصادی ایجاد کنیم. اما نکته دومی که عرض کردم در این سمینار باید مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد از نقطه نظر فرهنگی است یعنی درست است که ما قانونمندی لازم را داریم، درست است که بخشنامه‌ها و مقررات حاکم بر فعالیتهاست، منتهی نکته مهم در اینست که از نظر روابط بین سپرده‌گذار، آن کسی پس‌انداز خود را در بانک تودیع می‌کند و متقاضی تسهیلات از یکسو و کارگزاران این سیستم از سوی دیگر، از نظر فرهنگی تا چه حد توانسته‌ایم موفق شویم که در یک چارچوب اسلامی و صحیح این روابط را برقرار کنیم که در واقع از یک روح اسلامی برخوردار باشد. روابط بین این سه عنصری که عرض کردم در مجموعه سیستم وجود دارد و برقرار است. طبیعی است که ما در بانکداری اسلامی باید یک تفاوت قابل توجهی را قائل شویم از نظر نوع روابطی را که این سه عنصر با هم دارند با روابطی که در سایر سیستمها وجود دارد، به عنوان مثال فرض کنید کسی به عنوان مشتری بانک و متقاضی تسهیلات مدنظر باشد، خوب اولاً خود این فرد استفاده‌کننده از تسهیلات باید بداند از چه نوع قراردادی دارد استفاده می‌کند؟ آیا شرایط مورد نظر در رابطه با این قرارداد، به عنوان مثال، در مضاربه، خوب رعایت شده است یا نه؟ و چه اشکالاتی موجب فسخ خودبه-خود این قرارداد خواهد شد؟ فرض کنید شما در عقد مضاربه با بانک این تفاهم را می‌کنید که در رابطه

با کارآیی خاصی که به ورود مواد اولیه یا غیره مربوط می‌شود تسهیلات را بگیرد و کاری را انجام دهد. آیا شما مجاز هستید به صرف گرفتن پول، آن را در عملیات دیگری به کار گیرید؟ آیا از نظر فرهنگی من دریافت‌کننده تسهیلات به این درجه از شناخت رسیده‌ام که اگر این کار را کردم از نظر اسلامی قراردادی که بین من و بانک منعقد گردیده است ممکن است لطمه به‌بیند و کلاً فسخ شود؟ و اساساً اشکالاتی از جهت حقوقی و شرعی بر این قضیه وارد است؟ یا همینطور در رابطه با مسأله پس‌انداز در شرایط حاضر انواع سپرده‌های پس‌انداز، از نظر تنوع و از نظر انتخابی که پس‌انداز کننده می‌تواند انجام دهد از انواع ساده‌ای تشکیل می‌شود، و ما انشاءالله در نظر داریم در آینده انواع متنوعتری از سپرده‌ها را مورد استفاده قرار دهیم و با معرفی سپرده‌های جدید بتوانیم در واقع روح افزایش پس‌انداز ملی را در جامعه حفظ و تقویت کنیم و این مستلزم معرفی شرایط کلی حساب است و اینکه پس‌اندازکننده کاملاً بدانند این شرایط چیست تا بر اساس آن، بانک را به عنوان وکیل خود انتخاب کند. ملاحظه می‌کنیم که این نیز از یک بار فرهنگی خاص برخوردار است که شاید متناظر آن در سیستم‌های دیگر وجود نداشته باشد. از اینها گذشته، من فکر می‌کنم این مسأله یعنی بار فرهنگی در رابطه با خود کارگزاران، پس‌اندازکنندگان و مشتریان بیش از دو عنصر دیگر مهم و قابل توجه است بدین معنی که ما به عنوان کارگزاران سیستم بانکی، طبیعی است در مرحله اول از نظر شرایط و مقررات موجود باید شناخت کافی داشته باشیم نسبت به کاری که داریم انجام می‌دهیم. افزون بر این، در اجرا هم مطمئن باشیم آنچه را که در چارچوب قرارداد تنظیم شده است حتماً اجرا می‌شود به گونه‌ای که برای کل بانک اطمینان به وجود آید که منابع بانک در مسیر صحیح به کار گرفته شده است. من فکر می‌کنم از نقطه نظر فرهنگی ما در نیمه راه هستیم و شاید لازم باشد که بیش از اینها در سیستم بانکی به خصوص در رابطه با مسأله آموزش کارگزاران باید کار کنیم. البته شاید این سؤال مطرح باشد که به هر حال فرهنگ حاکم بر مجموعه سیستم بانکی و کسانی که با سیستم بانکی کار می‌کنند متأثر از فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه است و بنابراین اگر فرهنگ عمومی جامعه اصلاح شود و در جهت اسلامی‌تر حرکت کند به طور طبیعی فرهنگ حاکم بر بانک‌های ما و سایر موسسات و بنگاه‌های اقتصادی و غیراقتصادی در این جهت حرکت خواهد کرد، منتهی طبیعی است که در واقع ما نمی‌توانیم قائل به یک تریبی شویم که بگوئیم بسیار خوب، اول فرهنگ عمومی اصلاح شود، بعد ما فرهنگ حاکم بر بانک‌ها را اصلاح کنیم چرا که فرهنگ عمومی هم به هر حال متأثر از فرهنگی است که در زیرمجموعه‌ها و مجموعه فعالیتهای اجزای مختلف نظام وجود دارد. ما به عنوان کارگزاران نظام بانکی در این زمینه باید فکر کنیم و کوشش کنیم که فرهنگ لازم را در نوع روابطی که عرض کردم برقرار کنیم و بتوانیم به وجود آوریم، به گونه‌ای که از سلامت کار و اطمینان از صحت آنچه داریم در جامعه اقتصادیمان معرفی می‌کنیم مطمئن شویم. در همین رابطه من فکر می‌کنم که مسأله آموزش

بسیار مهم است که شاید لازم باشد هم در بانکها به آن توجه بیشتری شود در رابطه با کارکنان خودشان، و هم بانکها باید برنامه‌ای را بگذارند در رابطه با آموزش مردم از نظر بحث بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی. مثلاً فرض بفرمائید که در رابطه با مسأله آموزش پرسنل، ما فقط به این اکتفا نکنیم که حالا هر بانکی با توجه به مسؤولیت و وظیفه‌ای که موسسه بانکداری به ایجاد دوره‌های تخصصی دارد به همین دوره‌ها اکتفا کند. بلکه باید فعالیت خود را معطوف بدارد به یک برنامه جامعی که برای گروه‌های مختلف کارکنان در رده‌های مختلف تهیه و تدوین می‌شود و سعی شود این اطمینان به وجود آید که کارگزاران سیستم بانکی با عقود اسلامی به اندازه کافی آشنا گردند و هم حساسیت به خرج دهند که در عمل به نحو صحیحی این عقود به کار گرفته شود. در رابطه با سپرده‌گذاران، من فکر می‌کنم رساندن برخی اطلاعات به آنها که از منابع آنها چگونه در سیستم بانکی استفاده می‌شود خود نوعی آموزش است و این در مورد تبلیغ صحیح نیز می‌تواند مصداق داشته باشد. در رهنمودهای ریاست محترم جمهوری در جلسه‌ای که روز شنبه خدمت ایشان داشتیم ملاحظه کردید بر این نکته تأکید زیادی داشتند که به مردم بگوئیم که با پس‌اندازی که در بانکها شکل می‌گیرد و بخشی از پس‌انداز ملی است چه نوع فعالیتهایی را دارند انجام می‌دهند و این فعالیتها در سازندگی اقتصاد کشور چه نقشی را دارد. این برنامه مطمئناً هم در پس‌اندازکننده موثر واقع خواهد شد و او را به پس‌انداز بیشتر در آن بانک تشویق می‌کند و هم اینکه انتقادی را که ما در مسأله تبلیغات از طرف بعضی از نمایندگان محترم مجلس با آن روبرو بودیم که گاهی اوقات روحیه مادی برای تشویق پس‌انداز را مطرح می‌نمایند تا حدودی متعادل تر می‌کند. البته نمی‌خواهم بگویم این نکته را فراموش کنید، به هر حال مسأله انگیزه سود برای پس‌اندازکننده وجود دارد و باید به آن توجه شود ولی در کنار آن به خوبی می‌توانیم با معرفی نوع فعالیت‌های بانک در واقع آموزش بدهیم به پس‌اندازکنندگان که می‌توانند با پس‌انداز خود امکاناتی را فراهم کنند که ما با استفاده از آن امکانات برخی فعالیت‌ها را که به صلاح اقتصاد کشور است انجام دهیم. در رابطه با کسانی که با بانک کار می‌کنند به عنوان مشتری، من فکر می‌کنم مسأله آموزش مهم‌تر است نسبت به پس‌اندازکنندگان، سوال این است که یک نفر متقاضی سپه‌دات اطلاعات مورد نیاز خود را از کجا می‌گیرد؟ آیا ما جزواتی را داریم که در اختیار او قرار دهیم؟ آیا بخشهایی را قرار دادیم که بگوئیم مثلاً به فرض در این قسمت شما می‌توانید رجوع کنید و این اطلاعات را بگیرید؟ به خاطر دارم که در سال ۶۳ و در ابتدای معرفی بانکداری اسلامی روی این بخش خیلی تأکید می‌شد. در همان موقع جزوه‌هایی تهیه شد و در اختیار افراد قرار گرفت حتی قرار بود که در بانکها بخشهایی را در نظر بگیریم که مردم بتوانند به آنها رجوع کنند و اطلاعات لازم را بدست آورند. به نظر می‌رسد که این روزها به این نکته کمتر توجه می‌شود و شاید این یکی از کارهایی است که باید حتماً در مقوله فعالیتهای روزمره بانک برای آن فکری کنیم و

کاری انجام دهیم که این آموزش به مشتریان بانک هم منتقل شود.

نکته سوم مربوط می‌شود به بحثها و بررسی‌هایی که در این سمینار مطرح خواهد شد و می‌تواند سمینار را پررنگ کند. بحث از نقطه نظر تئوریک که به‌بینیم مسأله بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا در جریان عمل چه نقاط ضعف و قوتی داشته است و با تجربه ۱۲ ساله اینک در کجا قرار دارد؟ آیا ابزارهایی که طراحی شده است کافی است یا حتی می‌شود با تعداد کمتری از این ابزار، همین موفقیتها را بدست آورد؟ نکاتی که معمولاً در رابطه با یک سیستم بانکداری مطرح است تا چه حد از نظر تئوریک رعایت شده است و در نظر گرفته شده است؟ به عنوان مثال، مسأله ثبات سیستم پولی یکی از نکات بسیار مهمی است که الان در سطح بین‌المللی با توجه به بحرانهایی که بعضی از کشورها از نظر پولی با آن روبرو هستند مورد توجه است. آیا قانونمندی حاکم از این جهت می‌تواند به طور اتوماتیک ثبات لازم را در سیستم پولی و بانکی کشور فراهم آورد؟ در غیر اینصورت چه تمهیداتی را باید بکار گیریم که ما را قادر سازد که از نقطه نظر ثبات سیستم، اطمینان کافی وجود داشته باشد یا فرض بفرمائید در رابطه با مسأله‌ای که مقام محترم ریاست جمهوری در سخنرانی خودشان پیرامون کاهش ارزش پول و تورم مطرح فرمودند. به خاطر دارم در همان سالهای ۶۰ و ۶۱ که در خدمت حضرت آیت‌الله رضوانی و بقیه فقهای محترم این مسأله را در شورای پول و اعتبار بررسی می‌کردیم این سؤال مطرح بود که بین مسأله تورم و کاهش ارزش پول و مسأله نرخ سود آیا رابطه‌ای می‌شود برقرار کرد یا نه؟ با توجه به سؤالی که از طرف ریاست محترم جمهوری مطرح شد فکر می‌کنم فرصت خوبی است به این قضیه به طور جدی پرداخته شود. به‌بینیم در نظام بانکداری و مسائلی که از جهت تورم با آن روبرو هستیم چه دیدی نسبت به این مطلب می‌توانیم داشته باشیم و چه رابطه‌ای را می‌شود برقرار کرد؟ به هر حال بانکداری اسلامی خوشبختانه فعالیتی است که هم اکنون نه تنها در ایران بلکه در سطح بین‌المللی به عنوان یک رویه کاملاً شناخته شده و جا افتاده مورد استفاده است. به خاطر دارم در سال ۶۲ که برای اولین بار قانون را به تصویب رساندیم، در همان موقع ما مطالعه می‌کردیم که تجربه سایر کشورها در این زمینه چیست؟ در آن موقع یادم هست که شاید ۲ یا ۳ بانک بیشتر نبود، ولی الان وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که در هر مرحله، کشورهای جدید و به خصوص کشورهای اسلامی هستند که به این سیستم می‌پیوندند. ما همانموقع در سال ۶۴ که تقریباً مسأله بانکداری بدون ربا در ایران به خوبی پیاده شده بود از صندوق بین‌المللی پول دعوت کردیم هیاتی بیایند و مجموعه فعالیتهایی را که می‌شود ارزیابی کنند. در گزارشی که به صندوق ارائه شد، بانکداری اسلامی را به عنوان یک روش و رویه در مجموعه فعالیتهای بانکداری به رسمیت شناختند که خوب همه اینها موفقیتهایی است که از نظر تعمیم این فکر و گسترش آن خوشبختانه به وجود آمده است. منتهی من این نکته را لازم می‌دانم عرض کنم که در واقع شرط لازم برای تکمیل این کار خطیر این است که ما

باید به‌بینیم که این شیوه در عمل تا چه حد پاسخگوی نیازهای جامعه است؟ از نظر فرهنگی، تا چه بحث بانکداری اسلامی می‌تواند سایه خودش را بگستراند؟ بین روابطی که بین اجزای مختلف این سیستم به وجود می‌آید و از نظر تئوریک، تا چه حد قابل دفاع است. به هر حال، امیدوارم که این سمینار ما را یاری کند در گسترش این فکر و در تعمیق این فکر و اینکه انشاءالله از نظر محتوایی هم موفقیهای بیشتری را داشته باشیم که صرفاً مسأله کمی نباشد بلکه از نظر کیفی نیز بانکداری اسلامی حرفهای زیادی برای گفتن داشته باشد. بیش از این مزاحم وقت دوستان نمی‌شوم. امیدوارم که این سمینار برای همه حضار مفید و جالب باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته